



دکتر مهناز کسمتی

عضو هیأت علمی دانشکده علوم

با بیش از بیست سال سابقه

اینجانب در مردادماه سال ۱۳۳۹ در اهواز به دنیا آمدم. پدرم با تحصیلات ششم متوسطه، شغل بنایی و معماری تجربی داشت و مادرم نیز خانه‌دار بود و من اولین فرزند از هشت فرزند خانواده محسوب می‌شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در شهر اهواز و در مدارس آذر، مهر، رودابه و پروین اعتصامی با موفقیت گذراندم و علاقه‌ام به مفاهیم دینی در مقطع دبیرستان موجب شد از سال ۱۳۵۵ به مکتب قرآن این شهر بپیوندم و این امر زمینه آشنایی من با افرادی را فراهم کرد که کتاب‌های ممنوعه مرحوم دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان و پیام‌های امام خمینی(ره) را در اختیارم می‌گذاشتند. در آن برهه زمانی، این مسئله علاقه به انجام فعالیت‌های سیاسی و مذهبی را در من ایجاد کرد.

احساس نیاز به تغییر در روند فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، مرا بر آن داشت که فعالیت‌هایی در جهت توزیع پیام‌های امام خمینی(ره) و کتاب‌های مرحوم شریعتی در سطح دوستان و آشنایان و حتی معلمان انجام دهم اما این فعالیت‌ها، مرا از تحصیل باز نداشت و خردادماه سال ۱۳۵۷ با موفقیت مدرک دیپلم را اخذ کردم و بلافاصله نیز برای ادامه تحصیل در امتحان دانشسرای راهنمایی ثبت‌نام کردم و در آزمون آن سال قبول شدم؛ اما به گمانم، داشتن حجاب موجب شد که من پذیرفته نشوم.

تحصیلات عالی

هم‌زمان در کنکور همان سال نیز شرکت کردم و در اولین رشته انتخابی یعنی دبیری طبیعی در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز (شهید چمران کنونی) قبول شدم. از ابتدا، علاقه بسیاری به رشته پزشکی داشتم و با توجه به رتبه‌ای که کسب کرده بودم، می‌توانستم این رشته را در دانشگاه‌های دیگر نیز انتخاب کنم اما با مخالفت پدرم روبرو شدم، زیرا او شغل معلمی را به‌عنوان شغلی سالم و تربیتی برای دخترش بیشتر می‌پسندید (در آن زمان نگاه مردم نسبت به شغل‌های پزشکی و پرستاری چندان مثبت نبود).

در بحبوحه سال ۱۳۵۷ که فضای سیاسی دانشگاه برای دانشجویانی که درد و مشکلات جامعه را به‌خوبی درک می‌کردند جذابیتی دوچندان داشت، وارد دانشگاه شدم و با توجه به گرایش‌های مذهبی به‌زودی جذب دانشجویان مذهبی شده و در جلسات و راه‌پیمایی‌های آن‌ها شرکتی فعال داشتم که این طیف از دانشجویان بعدها انجمن اسلامی دانشجویان را تشکیل دادند.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ و با پیروزی انقلاب اسلامی مانند دیگر مردم سر از پا نمی‌شناختم و ضمن شرکت مستمر در کلاس‌های درس، که بعضاً به دلیل شرایط اجتماعی رونقی نداشت، فعالیت‌های منظمی

با هم قطاران خود در جهت به نتیجه رساندن حرکت اجتماعی که با رهبری امام خمینی (ره) شکل گرفته بود، داشتیم.

تابستان سال ۱۳۵۸ بود که در اردوی دوماهه عقیدتی که توسط نیروهای مذهبی تهران و زیر نظر شهید دکتر بهشتی در شهرستان کرج تشکیل شد، شرکت کردم و تحت آموزش استادان شناخته شده، درس‌هایی مانند تاریخ صدساله ایران، علوم سیاسی، شناخت اسلامی، قرآن و... را آموختم.

مهرماه همان سال، التهاب‌های پس از دوران انقلاب، منجر به چنددستگی عقیدتی - سیاسی بین صفوف دانشجویان، موضع‌گیری‌های احساسی گروه‌های مختلف و ایجاد جو نامناسب در دانشگاه شد. شرایط پیچیده دوران پس از انقلاب، عدم تمکین و تحمل عقاید مخالف در بین دانشجویان و رفتارهای خشونت‌آمیز گروه‌های مسلح که موجب به شهادت رسیدن بزرگانی مانند شهید مطهری، مفتوح شده بود، موجب شد این احساس در بین دانشجویان مذهبی به وجود آید که برای همسو شدن دانشگاه‌ها با مسیر انقلابی جامعه، در دانشگاه‌ها به انقلاب فرهنگی نیاز دارد که در این راستا با سایر دانشجویان حرکتی هماهنگ را شروع کردیم که در نهایت منجر به انقلاب فرهنگی شد و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها به‌حالت تعلیق درآمد.

شروع جنگ تحمیلی

دیری نپایید که با حمله صدام حسین در روزهای پایانی شهریورماه سال ۱۳۵۹ بسیاری از دانشجویان پسر و دختر که در تعطیلی دانشگاه‌ها بسر می‌بردند، جذب بسیج و سپاه پاسداران شدند و من نیز مانند بسیاری از دوستانم در خدمت‌رسانی پشت جبهه شرکت کردم. در آن زمان شرایط مناطق جنگی به‌ویژه شهر اهواز بسیار خطرناک و ناامن بود و با محاصره خرمشهر و ریختن مکرر خمسه‌خمسه در شهر اهواز،

خانواده‌ام که هشت فرزند کوچک و بزرگ داشتند، صلاح دیدند شهر را ترک کرده و به‌جای امن‌تری بروند، لذا اهواز را به‌قصد اصفهان ترک کردند.

در آن زمان نمی‌توانستم به خود بقبولانم که شهر را ترک کنم و با زحمت زیاد توانستم پدر و مادرم را راضی کنم تا در اهواز بمانم. پس از آن در خوابگاه دانشجویی بسیج در منطقه امنیه اهواز اسکان یافتیم و با سایر مردم در ساختمان قدیمی ریسندگی این شهر به کار بسته‌بندی و تأمین مایحتاج روزانه رزمندگان، مشغول شدم.

در این مدت فضای دانشگاه اهواز متأثر از حوادث جنگ، رنگ و بو و معنویت خاصی داشت، به‌ویژه آنکه مدتی طولانی مقر فرماندهی شهید دکتر مصطفی چمران بود. روزی نبود که خیر شهادت دانشجویان متعهد و مخلص انجمن اسلامی که از نظر تحصیلی از هم‌دوره‌هایم بودند، مرا متأثر نسازد. پس از مدتی که اوضاع جنگ آرام‌تر شد به دلیل ضرورت کار فرهنگی با پیشنهاد برخی دوستان در کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی واقع در ساختمان سه‌گوش و پس از آن در پردیس دانشگاه به‌صورت افتخاری مشغول به کار شدم. در آن مدت هر جا نیاز بود و یا هر کاری که از دستم برمی‌آمد با‌علاقه انجام می‌دادم. برگزاری نمایشگاه‌های هنری و عکس‌های مرتبط با جنگ، اردوهای فرهنگی اجتماعی برای کارکنان و دانشجویان، تدریس معارف اسلامی برای کارکنان و کارشناسان دانشگاه بخشی از این فعالیت‌ها بود.

پس از پشت سر گذاشتن سه سال و اندی از جنگ، دانشگاه‌ها در سال ۶۲ بازگشایی شد و به‌تدریج ابتدا دانشجویان سال آخر و بعد سایر دانشجویان برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌ها بازگشتند. من نیز با توجه به وقفه سه‌ساله در تحصیل تلاش کردم با درس خواندن و اخذ واحدهای بیشتر جبران مافات کنم و خوشبختانه با داشتن فعالیت‌های بسیار اجتماعی و فرهنگی توانستم در سال ۱۳۶۵ با اخذ ۱۵۳ واحد

در ۷ ترم و با معدل بالای ۱۸ دوره کارشناسی را به پایان برسانم. از آنجا که مدرک تحصیلی من دبیری طبیعی بود به آموزش و پرورش مراجعه کردم تا آنجا مشغول به کار شوم اما متأسفانه حتی در روستاها هم به این رشته نیازی نبود.

استخدام در دانشگاه

فکر کار به دلیل نیاز مالی خود و خانواده‌ام در آن شرایط جنگی، بشدت ذهنم را درگیر کرده بود. از آنجا که نمی‌توانستم بیکار باشم تابستان را با کار در یک خیاطخانه گذراندم و توانستم در کوتاه‌مدت مهارتی کسب کنم اما این کار روح مرا ارضا نمی‌کرد. همان زمان بود که دانشگاه شهید چمران اهواز به صورت رسمی برای جذب کارشناس در آزمایشگاه‌های گروه زیست‌شناسی، یعنی همان‌جایی که درس خوانده بودم، اطلاعیه داد و من نیز تقاضایم را ارسال کردم و خوشبختانه پس از طی روندی طولانی مورد موافقت قرار گرفت.

هم‌زمان با ورودم به دانشگاه به‌عنوان کارشناس، دانشگاه جدیدالتأسیس تربیت مدرس نیز امتحان کارشناسی ارشد را در بسیاری از رشته‌های علوم پزشکی برگزار کرد. از سویی علاقه به ادامه تحصیل و از سوی دیگر نیاز مالی و فشاری که بر اثر این مسئله بر خانواده‌ام وارد می‌شد، تردیدی جدی را در دلم ایجاد می‌کرد اما شوق درس خواندن باعث شد که به بهانه آشنایی با سؤالات امتحان و با توصیه مرحوم مادر بزرگم که علاقه بسیار زیادی به من داشت، راهی تهران شده و علی‌رغم نداشتن آمادگی کافی، در آزمون کارشناسی ارشد قبول شدم و خانواده به‌ویژه پدرم به‌طور غیرقابل‌انتظاری از این موفقیت خوشحال شدند و مرا به ادامه تحصیل تشویق کردند.

تحصیلات تکمیلی

مهرماه سال ۱۳۶۵ بود که راهی تهران شدم و تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته فیزیولوژی در دانشگاه تربیت مدرس را آغاز کردم و در ابتدا از طرف این دانشگاه توانستم بورس وزارت علوم را کسب کنم. پس از چند ماه خبر رسید که دانشگاه شهید چمران اهواز به دلیل نیاز به عضو هیئت علمی، بورسیه می پذیرد و مبلغ ۶ هزار تومان نیز به دانشجویان بورسیه شده، پرداخت می کند. این مبلغ درست دو برابر مبلغی بود که وزارتخانه پرداخت می کرد و من به دلیل نیاز شدید مالی بورس دانشگاه اهواز شدم و دغدغه مالی ام به میزان زیادی برطرف شد.

دوران کارشناسی ارشد را در دانشگاه تربیت مدرس هم از نظر آموزشی و هم پژوهشی با موفقیت گذراندم. در طی این سالها به اتفاق دوستان و برخی از استادانم سفری به هند داشتم و ضمن ارائه مقاله ای پژوهشی در کنگره علوم اعصاب آسیا و اقیانوسیه کارگاه علمی یک هفته ای را زیر نظر انجمن بین المللی تحقیقات مغز (IBRO) در دانشگاه علوم پزشکی شهر دهلی و با حضور استادان برجسته از کشورهای اروپایی و ژاپنی و هندی گذراندم. پشتکار زیاد و فعالیت های علمی ام موجب شد استادانم در دانشگاه تربیت مدرس و شهید بهشتی به من پیشنهاد کار در این دو دانشگاه را بدهند، اما چون بورس دانشگاه شهید چمران اهواز بودم و اعتقادم بر این بود که باید به تعهدم در مقابل دانشگاه عمل کنم، این پیشنهادها را نپذیرفتم.

سال ۱۳۶۸ با معدل ۱۸/۰۱ دوره ارشد را به پایان رساندم و جهت کار به دانشگاه اهواز مراجعه کردم و تدریس در این دانشگاه را آغاز نمودم. علاقه ام به تحقیق و پژوهش در کنار تدریس موجب شد که به فکر تأمین امکانات آزمایشگاهی برآیم ولی متأسفانه دانشگاه همیشه با کمبود اعتبار روبرو بود و این

نقصان مرا آزار می‌داد. سال ۱۳۶۹ آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد و با شرکت در آزمون دکتری فیزیولوژی و قبولی در این رشته، راه برای ادامه تحصیل هموارتر گردید زیرا بر این اعتقاد بودم که هیچ کاری را نباید نیمه‌تمام رها کرد و باید با تلاش و پشتکار آن را به سرمنزل مقصود رساند. در این صورت است که انسان از خود رضایت دارد و خرسند خواهد بود.

پس از گذراندن واحدهای درسی دوره دکتری، موضوع پایان‌نامه‌ام را در رابطه با ترمیم عصب نخاعی انتخاب کردم زیرا عمیقاً دلم می‌خواست برای مجروحان نخاعی جنگ کاری انجام دهم. با بررسی سایت‌های مختلف دریافتم برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی در این رابطه تحقیقاتی انجام داده‌اند. پس از آن مکاتباتی با استادان برجسته دانشگاه کالج لندن کشور انگلستان داشتم و علاقه‌مندیم به یادگیری پیوند عصب را اعلام کردم، اما به این درخواست من پاسخی داده نشد.

چند ماه بعد اطلاع پیدا کردم کنگره انجمن بین‌المللی فیزیولوژی در انگلستان برگزار می‌گردد و من نیز مقاله‌ای از کارهای پژوهشی دوران کارشناسی ارشدم را تهیه و به کنگره ارسال کردم که خوشبختانه مورد پذیرش قرار گرفت و طولی نکشید که برای ارائه این مقاله سفری به شهر گلاسکو این کشور داشتم. در بازگشت از این سفر به لندن رفتم و با اصرار یکی از دوستان بسیار صمیمی‌ام مدتی در این شهر ماندم و از این فرصت استفاده کرده و به دیدار پروفیسور وربووا که قبلاً با او مکاتبه کرده بودم رفتم و از او خواستم تکنیک پیوند عصبی را به من آموزش دهد. علی‌رغم تعطیلی تابستان، ایشان وقتی علاقه‌ام را دید به سوپروایزرش گفت که با من همکاری کند و مقرر شد در قبال این همکاری و صرف مواد آزمایشگاهی ۷۰ پوند بپردازم. با وجودی که در آن موقع دانشجوی دکتری بودم و این مبلغ برایم بسیار زیاد بود پذیرفتم، ولی بعداً پروفیسور وربووا هیچ مبلغی در مقابل این همکاری از من دریافت نکرد و بدین ترتیب توانستم

یک متد پیشرفته پیوند عصب جنین موش در نخاع آسیب‌دیده موش بالغ را آموزش بینم. در بازگشت به ایران چندین بار این متد را تکرار کردم ولی متأسفانه استاد راهنمای من اشراف کافی بر این موضوع نداشت و ناچار موضوع تحقیق را تغییر دادم و موضوع ثبت الکتروفیزیولوژی از عصب چشایی موش صحرائی در شرایط التهاب زبان را انتخاب کردم. پس از یک سال و چندماه کار آزمایشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی (محل کار استاد راهنمایم) و ارائه مقالات متعدد در کنفرانس‌های داخلی و خارجی در کشورهایمانند کانادا، چین، روسیه و ژاپن، در بهمن‌ماه سال ۱۳۷۴ با نمره عالی از پایان‌نامه‌ام دفاع کردم و با معدل ۱۸/۴۴ فارغ‌التحصیل شدم و مجدداً برای انجام تعهداتم به دانشگاه شهید چمران به اهواز بازگشتم.

فعالیت آموزشی و پژوهشی در دانشگاه، تشکیل خانواده

سال ۱۳۷۵ به‌عنوان استادیار بخش زیست‌شناسی در دانشکده علوم مشغول به کار شدم. پس از آن در سال ۱۳۷۷ با حکم ریاست وقت دانشگاه شهید چمران اهواز به‌عنوان سرپرست راه‌اندازی موزه تاریخ طبیعی این دانشگاه منصوب شدم، موزه‌ای که نه ساختمان مشخصی داشت و نه اعتبار قابل‌توجهی، اما با توکل بر خدا و اعتقاد به‌ضرورت راه‌اندازی چنین موزه‌ای در دانشگاه و علاقه به فعالیت‌های ماندگار، این مسئولیت را برعهده‌گرفته و مشغول شدم.

در انتهای سال ۱۳۷۷ با همسر، آقای تقی ابوعلی که دانشجوی مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز بود، به‌واسطه یکی از دوستان دانشگاهی‌اش آشنا شدم. از آنجا که معیارهای من برای انتخاب همسر سلامت نفس، ایمان و درک شرایط به‌عنوان یک زن شاغل بود و این نکات را به‌خوبی در همسرم یافتم به او پاسخ مثبت دادم و ما در ششم خرداد ۱۳۷۸ با مهریه یک جلد کلام‌الله مجید و ۱۴۰۰ سکه بهار

آزادی به عقد هم درآمدیم. لازم به ذکر است که من اعتقاد چندانی به مهریه زیاد نداشتم ولی مادرم به دلیل حساسیت‌ها و دل‌نگرانی‌هایش علاقه‌مند بود که به پیشنهادش توجه شود. همسر من نیز به‌خوبی این حساسیت را درک کرد و با میزان پیشنهادی مهریه کاملاً موافقت نمود.

پس از ازدواج با داشتن فعالیت‌های علمی در دانشگاه، همواره سعی داشتم به‌عنوان یک زن در کانون خانواده نقش‌آفرینی مثبتی داشته باشم. شرکت در امور اجتماعی از دیگر فعالیت‌هایم بود و تلاش می‌کردم که همواره حضورم در مسائل اجتماعی را حفظ کنم. زمزمه راه‌اندازی فعالیت شوراهای شهر و روستا در سال ۷۷ موجب گردید که نگاه برخی فعالان سیاسی اجتماعی متوجه من که تا آن روز فعالیت‌های اجتماعی بسیاری در بخش‌های مختلف داشتم، شود. پیشنهاد حضور در انتخابات شوراهای شهر و روستا اگرچه برای من تازگی داشت اما تردیدی را برایم ایجاد کرد که آیا می‌توانم هم به کار علمی در دانشگاه رسیده و هم مسئولیت راه‌اندازی موزه را داشته باشم و از سوی دیگر به‌عنوان یک زن در کانون خانواده به وظایف همسریم عمل کنم؟.

عضویت در شورای شهر اهواز

اصرار دوستان پیشنهاددهنده، علاقه خدمت به مردم و موافقت و همراهی همسر من موجب شد تردیدها را کنار بگذارم و برای یک رقابت واقعی وارد عرصه سیاسی اجتماعی شوم. از آنجا که چهره‌ای نسبتاً شناخته‌شده در دانشگاه، بین دوستان و آشنایان و هم‌قطاران بودم به کمک آن‌ها توانستم به اولین دوره شورای اسلامی شهر اهواز در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ راه‌یافته و در اولین جلسه شورای شهر به مدت دو سال به‌عنوان نائب رئیس شورای شهر اهواز انتخاب شدم. در آن دوره از شورای شهر ضمن فعالیت به‌عنوان نائب رئیس، در کمیته‌های عمران و شهرسازی، مالی و فرهنگی اجتماعی نیز فعالیت می‌کردم.

حضور در شورای شهر در کنار فعالیت‌های علمی و ایجاد ارتباطات وسیع اجتماعی در سطح مسئولان کشوری، استانی و مردم، تجارب جدیدی را برایم به ارمغان آورد. تلاش برای اصلاح امور شهری هم از نظر عمرانی و هم فرهنگی و اجتماعی با رویکرد عدالت‌طلبانه و به دور از زد و بندهای معمول از دغدغه‌هایم بود اما در این مسیر موانع زیادی به‌ویژه سهم‌خواهی‌های نامتعارف قومی و سیاسی و عدم وجود سیستم‌های کارآمد شهری در شهرداری‌ها وجود داشت که با آنچه من آموخته بودم در تضاد بود اما علی‌رغم همه موانع باعلاقه و پشتکار در کنار سایر اعضای شورای شهر اهواز فعالیت داشتم و در دو سال پایانی نیز به‌عنوان خزانه‌دار شورا در امر نظارت بر بودجه شهرداری و شورا با جدیت فعالیت می‌کردم.

راه‌اندازی موزه علم و طبیعت در دانشگاه

علی‌رغم کار علمی در دانشگاه و فعالیت‌م در شورای شهر سرپرستی راه‌اندازی موزه دانشگاه را فراموش نکردم زیرا اعتقادم این بود که باید بتوانم در طول زندگی، کاری ماندگار انجام دهم تا فرزندانمان از آن بهره‌مند شوند. لذا با دعوت و جلب حمایت مسئولان کشوری و استانی به دانشگاه و توجه کافی جهت راه‌اندازی موزه، اعتبارهای خوبی برای دانشگاه جذب شد و هر سال به کمک کارشناسان فن، فعالیت‌های چشمگیری در محل کتابخانه مرکزی دانشگاه در معرض دید عموم قرار می‌گرفت. حاصل این فعالیت‌ها در مدت ۵ سال کار مداوم، راه‌اندازی اولین موزه شهر اهواز به نام موزه علم و طبیعت دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۲ بود که در بخشی از کتابخانه مرکزی دانشگاه افتتاح گردید و توانستم پس از راه‌اندازی موزه، اولین همایش موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی را در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار نمایم. در این همایش به‌اتفاق آراء اعضای شرکت‌کننده از کل موزه‌های ایران، دبیرخانه

دائمی موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی کشور با مدیریت بنده به دانشگاه شهید چمران اهواز واگذار شد و برای سامان دادن به موزه‌ها و ایجاد ارتباط هماهنگی بیشتر، سایتی تحت عنوان "موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی" راه‌اندازی شد و بدین وسیله اطلاعات خوبی نیز در اختیار دوستداران چنین موزه‌هایی قرار گرفت. دیری نپایید که موزه علم و طبیعت دانشگاه شهید چمران اهواز علاوه بر خدمات روزانه به دانشجویان و دانش آموزان، میزبان مهمانان داخلی و خارجی استانداری خوزستان و دانشگاه شد. یکبار که دکتر ملینا کووین مسئول موزه‌های علوم کشور انگلستان برای دیدار از موزه به دانشگاه آمده بود ضمن اظهار رضایتمندی از راه‌اندازی چنین موزه‌ای، مرا برای شرکت در همایش بین‌المللی موزه‌های علوم که در شهرهای بریستول و کاردیف انگلستان تشکیل می‌شد، دعوت کرد. خوشبختانه با پیگیری انجام شده در همان سال بنده موفق شدم به اتفاق همسر در آن همایش شرکت کنم و گزارشی از موزه علم و طبیعت دانشگاه ارائه دادم. با هماهنگی دکتر کووین از موزه‌های علم و تکنولوژی و تاریخ طبیعی چندین شهر انگلستان دیدار کردم و تجربیات به‌دست‌آمده را برای غنای بیشتر موزه علم و طبیعت دانشگاه بکار گرفتم و اکنون این موزه با جذابیت‌های منحصر به فرد روزانه پذیرای تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان استان است.

عهده داری معاونت دانشجویی در دانشگاه

در سال ۱۳۸۰ به پیشنهاد جناب دکتر صفایی مقدم ریاست وقت دانشگاه شهید چمران اهواز به سمت معاونت دانشجویی منصوب شدم و اولین بانویی بودم که پس از انقلاب توانستم در پست معاونت در این دانشگاه خدمت کنم.

پذیرش چنین پستی که ارتباط من را با زوایای مختلف خواسته‌ها و نیازهای دانشجویان بیشتر می‌کرد
برایم جالب بود و تلاش کردم بیشترین رفاه را برای دانشجویان ایجاد نمایم اما مشکلات عدیده مالی
بجا مانده، مدیریت‌های سنتی و همگی باعث شد به این فکر بیفتم که مجموعه امور دانشجویی را
متناسب با زمان و تکنولوژی راهبری نمایم، لذا مقدمات اجرای کارت‌های الکترونیکی تغذیه، راه‌اندازی
پیمانکاری در آشپزخانه‌ها، احداث بانک در محل امور دانشجویی، ایجاد خوابگاه میهمان، راه‌اندازی
چندین مسابقه ورزشی موفق و... از فعالیت‌های بنده در آن مقطع بود.

پس از حدود هشت ماه فعالیت در معاونت دانشجویی برای دومین بار باردار شدم. از آنجا که بار اول
در ابتدای دوران شورای شهر بارداری اتفاق افتاده بود اما به دلیل مشغله زیاد با موفقیت به انجام نرسید،
ترس از تکرار این مسئله و توصیه اکید پزشکم موجب گردید که از سمت معاونت دانشجویی استعفا
دهم. داشتن فرزند و رونق زندگی برایم اهمیت بسیاری داشت اما پس از شش ماه بارداری متأسفانه بار
دیگر دچار مشکل شدم و فرزندم را از دست دادم و این موضوع برایم بسیار دردناک و آزاردهنده بود
اما تقدیری بود که خود را مکلف به پذیرش آن می‌دانستم.

علاقه زیاد به فعالیت‌های علمی پژوهشی موجب شد مدتی بعد این ناراحتی‌ام را فراموش کرده و
موفق شدم کتابی را که از مدت‌ها پیش گردآوری آن را آغاز کرده بودم به پایان برسانم. این کتاب با
عنوان "روش‌های کاهش درد در زایمان" در تابستان ۱۳۸۲ به چاپ رسید و نسخه‌هایی از آن را به برخی
از بیمارستان‌های اهواز و زنانی که رنج مادر شدن را صبورانه به دوش می‌کشند تقدیم کردم. به واسطه
پژوهش‌هایی که انجام دادم در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به‌عنوان پژوهشگر برتر برگزیده شدم و در دی‌ماه
سال ۱۳۸۶ با کسب امتیازهای لازم به درجه دانشیاری نائل آمدم. موفقیت در تدوین و انتشار مقالات

علمی پژوهشی موجب گردید برای بار سوم در سال ۱۳۸۷ به عنوان پژوهشگر برتر انتخاب و معرفی شوم.

علاقه زیاد به داشتن فرزند باعث شد که از این موضوع نیز غافل نباشم و ضمن تلاش برای مادر شدن، به خدای متعال اتکال داشتم و همواره بر این اعتقاد بودم اگر خدا بخواهد و اراده کند هیچ امر نشدنی وجود ندارد تا اینکه در سال ۱۳۸۸ به آرزوی خود رسیدم و در شرایط معجزه آسا نشانه های حاملگی در من پیدا شد. اگرچه این اتفاق مرا بسیار شاد کرد اما نگرانی از دست دادن مجدد فرزند و شرایط سخت بارداری، بسیار آسیب پذیرم کرده بود اما در این شرایط نیز دست از فعالیت های علمی خود برنداشتم و در آذرماه سال ۱۳۸۸ یعنی در دوران بارداری، به عنوان پژوهشگر برگزیده علوم پایه در دانشگاه ها و مراکز آموزشی استان خوزستان انتخاب شدم و در همین مدت نیز کتاب " از اکستازی چه می دانیم" را به دلیل نیاز جامعه تألیف و چاپ نمودم و کتاب " فیزیولوژی تولیدمثل" را پس از دو سال تدوین، ویرایش کردم.

لطف باری تعالی باعث شد که علی رغم همه سختی ها و مشغله های کاری، در دی ماه سال ۱۳۸۸ سه فرزند پسر بسیار دوست داشتنی را در آغوش خود ببینم. گویی خدا برای بندگانش که تنها به او اتکا دارند جبران مافات می کند و من این لطف خدا را با تمام وجود حس کردم.

پس از به دنیا آمدن فرزندانم یک سال مرخصی زایمان گرفتم و همه تلاشم صرف آن فرشتگان کوچک شد و پس از آن بار دیگر فعالیت های آموزشی و پژوهشی را آغاز کردم و سعی نمودم با تلاش و پشتکار بیشتر غیبت یک ساله را جبران کنم.

در سال ۱۳۹۱ کتاب " فیزیولوژی تولیدمثل " را چاپ کردم که اکنون منبعی مفید برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی است و در سال ۱۳۹۲ به عنوان پژوهشگر برگزیده دانشکده معرفی و مورد تقدیر قرار گرفتم و به این وسیله نشان دادم که توانایی یک زن با آن همه مشغله خانوادگی و کاری می تواند بیش از حد انتظار باشد.

اردیبهشت سال ۱۳۹۳ بود که به عنوان اولین زن، موفق به کسب رتبه استاد تمامی در تاریخ گروه زیست شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز شدم و در سال ۱۳۹۳ چهارمین کتابم با عنوان " اثرات مفید و مضر نانوذرات در بدن " چاپ و منتشر شد. در آذر ماه سال ۱۳۹۳ به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه معرفی شده و در انتهای سال ۱۳۹۳ با حکم معاونت پژوهشی دانشگاه به عنوان سردبیر مجله علوم زیستی خلیج فارس منصوب شدم. در سال ۱۳۹۴ پنجمین کتابم با عنوان " اضطراب " به چاپ رسید که فصل هایی از هر دو کتاب فوق حاصل فعالیت های پژوهشی بنده با دانشجویانم است.

فعالیت اجتماعی دیگر

یکی دیگر از فعالیت هایی که در ۵ الی ۶ سال اخیر داشته ام عضویت در تاسیس و مدیریت اجرایی در انجمن دانش آموختگان دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان یک نهاد مدنی بوده است. این انجمن نوپا اکنون عضو شورای هماهنگی انجمن های دانش آموختگان سرتاسر کشور است که حدود ۱۵ عضو دارد و در این دو سال اخیر با جلسات متعدد یک هماهنگی را بین انجمن ها ایجاد نموده است. وظیفه انجمن ایجاد ارتباط بین دانش آموختگان با همدیگر و با دانشگاه و تلاش برای ارتقا سطح علمی و مهارتی آنها می باشد که در این زمینه تلاشهایی صورت گرفته است و بنا است که با همکاری شورای هماهنگی انجمن ها و تعامل با وزارت علوم و فناوری، گشایش هایی از نظر ساختاری و مشارکت بیشتر با دانشگاهها فراهم گردد.

یکی دیگر از فعالیت اجتماعی اینجانب بویژه در سالهای اخیر در دوران کرونا، راه اندازی صندوق خیریه غیر رسمی تحت عنوان صندوق مهر امام رضاع است که به کمک دوستان دوران دانشجویی که همگی دانش آموخته دانشگاه شهید چمران اهواز می باشند، صورت گرفته است. خدا را سپاس می گویم که توانسته ایم در حد بضاعت با ایجاد شغل های خانگی و تامین وسایل آموزشی و حرکت های خوبی داشته باشیم. در این رابطه با خیریه های دیگری آشنا و بصورت مشارکتی نیز عمل می کنیم.

نگاهی به فعالیت های علمی

در سال های خدمتم در دانشگاه، ضمن تدریس بخش های مختلف فیزیولوژی در مقاطع مختلف کارشناسی، ارشد و دکتری، مجری و هدایت کننده بیش از ۵۰ رساله و پروژه تحقیقاتی در زمینه های درد، اضطراب، اعتیاد، ترمیم زخم و موزه های علوم و تاریخ طبیعی بودم. حاصل این تحقیقات چاپ بیش از ۱۳۰ مقاله در مجلات علمی پژوهشی معتبر داخل و خارج از کشور و ارائه بیش از ۱۰۰ مقاله در کنگره های داخلی و خارجی است. با داشتن سه فرزند پسر هم سن و پر جنب و جوش، هم باید مادری صبور و پاسخگو در مقابل نیازهای عاطفی فرزندانم می بودم و هم باید مسئولیت را در کرسی استادی به نحو احسن انجام می دادم و همواره رسیدگی، تربیت و پیشرفت فرزندانم و همه فرزندان این مرزو بوم را از دغدغه های مهم خویش می دانم. در ضمن بر این باورم که خدای متعال برای رشد و تکامل همه بندگان هم فرصت ها و موهبت ها و هم تنگناها و دشواریها را در زندگی می آفریند و این انسان است که باید با هوشمندی و تلاش شرایط را به نفع خویش رقم زند. هنر افراد سخت کوش، هدفمند و مسئول بهره مندی از این عنایت ها و ساختن نردبان هایی بسوی بهتر شدن و رفعت وجود است. من راز موفقیت خود را ابتدا عنایت خدای باری تعالی در تمامی مراحل زندگی و سپس پشتکار، علاقمندی و

احساس مسئولیت نسبت به کار و جامعه می‌دانم. بدیهی است همکاری و حمایت نزدیکانم در طول زندگی از جمله پدر، مادر و همسر نیز در این موفقیت، دلگرم کننده و بسیار موثر بوده است.

اهمیت رشته فیزیولوژی انسانی در زندگی و جامعه

فیزیولوژی نحوه کارکرد اندام‌های مختلف بدن را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای مثال وظیفه قلب، مغز، کلیه، ششها و سایر اندامها را در بدن روشن می‌سازد. برای درک دقیق عملکرد این ارگان‌ها و سیستم‌ها در بدن، سایر رشته‌ها از جمله استفاده از روابط و اصول فیزیک، ریاضی و شیمی و ... به کمک گرفته می‌شوند. به عنوان مثال در فیزیولوژی عروق برای فهم دقیق عملکرد آنها، از قوانین فیزیکی مانند قانون سیالات، فشار، سرعت و حجم حتی در مواردی زیادی ریاضیات بهره گرفته می‌شود. این رشته از شاخه‌های زیست‌شناسی است که خود به زیرشاخه‌های فیزیولوژی جانوری، فیزیولوژی پزشکی (انسانی)، فیزیولوژی دامی، فیزیولوژی گیاهی، فیزیولوژی سلولی، فیزیولوژی ورزشی و ... تقسیم می‌شود. فیزیولوژی همچنین یکی از دانش‌های پایه پزشکی است که ارتباط نزدیکی با دیگر دانش‌ها مانند بافت‌شناسی، کالبدشناسی و بیوشیمی دارد. فیزیولوژی در آموزش پزشکی، روانشناسی، علوم دامی، دامپزشکی، و جانورشناسی جایگاه خاصی دارد. همچنین برای اطلاع از پاتولوژی بیماری‌ها، فهم فیزیولوژی بسیار مهم و کلیدی است. به عنوان نتیجه کلی می‌توان گفت دانش فیزیولوژی انسانی در مقایسه با پزشکی یک دانش تولیدی است، یعنی با شناسایی عملکرد صحیح اندامها و سیستم‌های بدن، راه را برای شناسایی انواع بیماری‌ها هموار می‌سازد و با تحقیق و پژوهش در زمینه تاثیر انواع شرایط و عوامل گوناگون بر عملکرد سامانه‌های زنده، دانش کافی را برای پزشکان فراهم می‌کند.

اما در خصوص کاربرد اجتماعی رشته فیزیولوژی باید عرض کنم که در نگاه اول ممکن است چنین تصور شود که رشته فیزیولوژی هیچ تاثیری بر امور اجتماعی ندارد، چرا که مانند رشته‌ای مانند جامعه‌شناسی به انواع روابط اجتماعی، ارزش‌گذاری رابطه و یا چالش‌های بین جوامع و ... اشاره نمی‌کند اما با توضیحاتی که خدمتتان عرض می‌کنم در می‌یابیم که شرط داشتن روابط اجتماعی صحیح، مستلزم داشتن انسانهای سالم با فرآیند فیزیولوژیکی مناسب و طبیعی می‌باشد. همه می‌دانیم که جامعه متشکل

از انسانها، به عنوان موجودات زنده هستند، بخش زیادی از روابط و مناسبات بین انسانی حاصل رفتارها می باشد. بخشی از رفتارها غریزی (که در مورد حیوانات بیشتر قابل ملاحظه است) و بخش دیگر آموختنی و یادگرفتنی هستند. هم رفتارهای غریزی (یا ذاتی) مانند رفتارهای دوران بلوغ، رفتارهای والدینی و امثالهم و هم رفتارهای آموختنی، بسیار وابسته به هورمونها و میانجی های عصبی هستند. به رغم برتری انسان نسبت به دیگر موجودات از نظر قابلیت های شناختی و فرآیندهای یادگیری، نقش هورمونهای مختلف حتی میانجی های عصبی در تغییر و شکل گیری انواع رفتارها از جمله رفتارهای اجتماعی در انسان تا حدودی زیادی مطرح و مورد توجه محققین است.

مطالعات نشان می دهد که هر گونه افزایش و یا کاهش چنین عواملی می تواند در تغییر رفتار انسان محسوس باشد. ضمن آنکه شرایط گوناگون محیطی می تواند هم در ترشح هورمونهای مختلف و هم میانجی های عصبی تاثیر گذار باشند. برای مثال محیط پر استرس می تواند در ترشح هورمونهای کورتیزول موثر باشد و افزایش بیمار گونه این هورمون می تواند فعالیت های شناختی و انگیزشی فرد را تحت تاثیر قرار دهد. ورزش، سطح هورمونهای کاتکل آمینی و مواد شبه مخدر را زیاد می کند که نتیجه آن روحیه و فعالیت ذهنی بهتر و آرامش بیشتر است که می تواند در برخورد اجتماعی فرد موثر باشد. اکسی توسین باعث افزایش بیشتر ارتباطات و تعاملات اجتماعی و بروز پدیده عشق می شود و هر چه ارتباط عاطفی در اوان کودکی بین مادر و فرزند بیشتر باشد، اکسی توسین بیشتری در مادر و نوزاد ترشح شده و طفل در سنین بالاتر دارای تعامل و ارتباط اجتماعی بیشتر شده و حتی رفتارهای ناهنجار کمتری در او دیده می شود. عوامل گوناگونی مانند تغذیه و یا سوء تغذیه، خواب آرام یا آشفته، موسیقی آرام یا پر طنین، آب سالم یا ناسالم، محیط زیست پاک یا آلوده، جنگ یا صلح، زمینه های بیماری، ژنتیک، امواج الکترو مغناطیس و حتی نوع فرهنگ و آداب و رسوم و..... همه می توانند فرآیندهای فیزیولوژیک فرد را که بصورت افزایش و یا کاهش میانجی های عصبی، هورمونها است را تحت تاثیر قرار دهند و بر اساس ضرب المثل قدیمی که عقل سالم در بدن سالم است باید گفت عقل سالم که حاصل سلامت عملکرد مغز است مبتنی بر عملکرد صحیح کلیه اندامها یا فیزیولوژی طبیعی آنها است که باید شرایطش از همه نظر مهیا باشد.

در دنیای پر چالش کنونی انسانها تحت تاثیر بمباران انواع عوامل بیرونی و درونی قرار گرفته و رفتار افراد که حاصل و نتیجه کنش های گوناگون درونی و بیرونی است شکل می گیرد. به این خاطر روانشناسی فیزیولوژیک اشاره به این موضوع دارد که آنچه در رفتار و روان فرد مشاهده می شود ریشه در فرایندهای فیزیولوژیک مغز و سایر اندامهای او دارد. بدین ترتیب با تغییر شرایط می توانیم باعث اختلال در روندهای فیزیولوژیک و متعاقب آن در رفتار و روان فرد شویم. برای مثال با حذف اجباری خواب شبانه به عنوان یک پدیده طبیعی فیزیولوژیک، بصورت کشیک های شبانه و یا در شرایط اعتراف گیری از یک زندانی، می تواند سیستم طبیعی بدن را مختل و در فرآیندهای شناختی و رفتارهای اجتماعی تغییراتی ایجاد می شود. تحقیق دانشمندان نشان می دهد که انسان به عنوان یک موجود اجتماعی در مقابل هر عملی واکنش نشان می دهد گاهی این واکنشها سریع و بدون تعقل و می تواند مخاطره آمیز باشد و گاهی می تواند بصورت کنترل شده و مبتنی با کنترل هوش هیجانی و بصورت فرا کنشی باشد. لذا مدیریت در تصمیم سازی و پختگی آن در شرایط گوناگون به عنوان فعالیت عالی مغز بسیار پر اهمیت می شود.

بدیهی است که تصور کنیم مدیران و وکلای کلان یک کشور که مجریان و قانونگذاران مجموعه بزرگی هستند از این قاعده مستثنی نبوده و فرایندهای رفتاری و تصمیم سازی آنها در اداره مجموعه تحت نظر خود می تواند مبتنی بر عملکرد مغز، میزان دانش و تحلیل آنها، واکنشها و یا فراکنش های آنها باشد و این تصمیم سازی و فراکنشها در نهایت می تواند باعث سعادت و یا شقاوت جامعه تحت نظرش باشد. اینکه چه عاملی باعث می شود در یک شرایط خاص یک سیاستمدار در تصمیم سازی خود صلح را بجای جنگ و یا جنگ را بجای صلح بپذیرد و همه نبرهای یک کشور را براساس تصمیم خود بسیج نماید در این راستا می تواند قابل توجه و تامل باشد.

اکنون موضوع بررسی چگونگی فرآیند تصمیم سازی، واکنشها و فراکنشها و قدرت بالا در تحلیل مغزی در دستور کار محققین قرار دارد. بدیهی است اگر بتوانیم عملکرد صحیح مغز را از نقطه نظر استفاده از آموخته های قبلی بصورت حافظه بلند مدت، تحلیل درست از شرایط، مدیریت واکنش های منطقی و هیجانی در شرایط مختلف داشته باشیم رفتارهای بهتر و پخته تر از افراد سر می زند و آینده

بهتری برای زیرمجموعه سیاستمداران رقم خواهد خورد. در این رابطه مطالب بسیار قابل تاملی وجود دارد که در این فرصت کوتاه قابل طرح کردن نیست.

*مدارج تحصیلی:

مدرک	رشته تحصیلی	گرایش تخصصی	سال اخذ مدرک	کشور اخذ مدرک	موسسه آموزشی محل تحصیل
کارشناسی	دبیری طبیعی	-	۱۳۶۵	ایران	دانشگاه شهید چمران اهواز
کارشناسی ارشد	فیزیولوژی	اعصاب	۱۳۶۸	ایران	دانشگاه تربیت مدرس
دکتری تخصصی	فیزیولوژی	اعصاب	۱۳۷۴	ایران	دانشگاه تربیت مدرس

*پروژه‌های تحقیقاتی:

عنوان پروژه	مجری یا همکاری	تاریخ	
		شروع	خاتمه
بررسی میزان شیوع دردهای مزمن و برخی عوامل مؤثر در آنها بین کارکنان دانشگاه شهید چمران اهواز	مجری	۱۳۷۷	۱۳۷۹
تهیه حیوانات تاکسیدرمی استان خوزستان	مجری	۱۳۸۲	۱۳۸۴
بررسی وضعیت موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی ایران و مقایسه آن با موزه‌های کشورهای پیشرفته	مجری	۱۳۸۳	۱۳۸۶

کتاب‌ها:

نوبت چاپ (سال تجدید)	سال	ناشر	همکاران	مترجم	مؤلف / نویسنده	عنوان کتاب
اول	۱۳۸۲	رسش	-	-	مهناز کسمتی	روش‌های کاهش درد در زایمان
اول	۱۳۸۸	کردگار	الهام مدحجی فرزانه شاهینی	-	مهناز کسمتی	از اکستازی چه می‌دانیم
اول	۱۳۸۹	خالدین	-	-	مهناز کسمتی	فیزیولوژی تولیدمثل
اول	۱۳۹۳	شلاک	مژگان ترابی	-	مهناز کسمتی	فواید و مضرات نانو ذرات بر بدن
اول	۱۳۹۴	شلاک	مژگان ترابی	-	مهناز کسمتی	اضطراب

- عضویت در مجامع ملی / بین‌المللی:

محل استقرار مجمع		نام مجمع	نوع عضویت
شهر	کشور		
تهران	ایران	انجمن زیست‌شناسی ایران	عادی
تهران	ایران	انجمن مطالعه درد ایران	عادی
تهران	ایران	انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی	عادی
سیاتل	امریکا	انجمن بین‌المللی مطالعه و بررسی درد	عادی

- مقالات: (این قسمت با اشاره به تعداد تکمیل شود)

مقالات ارائه‌شده در کنگره‌های داخلی و خارجی: ۸۸ مقاله در کنگره داخلی، ۲۰ مقاله در کنگره خارجی
مقالات چاپ‌شده در مجلات داخلی/خارجی: ۸۵ مقاله در مجلات علمی پژوهشی داخلی، ۲۹ مقاله در مجلات
علمی پژوهشی خارجی

استاد راهنمای رساله‌های دکتری: ۶ رساله دکتری

استاد مشاور رساله‌های دکتری: ۱ رساله دکتری

استاد راهنمای پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره کارشناسی ارشد: بیش از ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد

استاد مشاور پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره کارشناسی ارشد: ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد

* افتخارات و جوایز علمی

افتخارات کسب شده	موسسه اعطاء کننده	کشور	شهر	سال اخذ	توضیحات
پژوهشگر برگزیده در محور طرح های پژوهشی مشترک با دستگاه های اجرایی	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۸۵	پژوهشگر برگزیده
پژوهشگر برگزیده در محور چاپ مقاله در مجلات علمی داخلی و مؤثرترین راهنمایی پایان نامه کارشناسی ارشد	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۸۶	پژوهشگر برگزیده
پژوهشگر برگزیده در محور چاپ مقاله در مجلات علمی داخلی و مؤثرترین راهنمایی پایان نامه کارشناسی ارشد	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۸۷	پژوهشگر برگزیده
پژوهشگر برگزیده گروه علوم پایه دانشگاه ها و مراکز آموزشی استان خوزستان	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۸۸	پژوهشگر برگزیده
پژوهشگر برگزیده دانشکده علوم	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۹۲	پژوهشگر برگزیده
پژوهشگر برگزیده دانشکده علوم	دانشگاه شهید چمران اهواز	ایران	اهواز	۱۳۹۳	پژوهشگر برگزیده

ایده برگزیده جشنواره بزرگ ایده های شهروندی	استانداری خوزستان	ایران	اهواز	۱۳۹۵	ایده برگزیده (تاسیس موزه های علم و نو آوری در سطح استان)
---	-------------------	-------	-------	------	---

*مسئولیت ها و سوابق اجرایی

سال		محل انجام مسئولیت	عنوان مسئولیت
خاتمه	شروع		
۱۳۸۱/۳/۲۵	۱۳۸۰/۵/۲۴	دانشگاه شهید چمران اهواز	معاون دانشجویی
۱۳۸۷/۱۱/۵	۱۳۷۷/۱۰/۸	دانشگاه شهید چمران اهواز	سرپرست موزه
۱۳۸۵/۱۱/۲	۱۳۸۳/۹/۱۲	دبیرخانه دائمی موزه های علوم	دبیر دبیرخانه
۱۳۶۵	۱۳۶۱	جهاد دانشگاهی در دانشگاه شهید چمران اهواز	عضو کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی استان خوزستان

۱۳۸۲/۲/۹	۱۳۷۸/۲/۹	شورای اسلامی شهر اهواز	عضو اولین شورای اسلامی شهر اهواز
۱۳۸۰/۲/۹	۱۳۷۸/۲/۹	شورای اسلامی شهر اهواز	نایب رییس شورای اسلامی شهر اهواز
۱۳۸۲/۲/۹	۱۳۸۰/۲/۹	شورای اسلامی شهر اهواز	خزانه دار شورای اسلامی شهر اهواز
۱۳۸۲/۱۱/۱۵	۱۳۸۲/۷/۸	دانشگاه شهید چمران اهواز	دبیر اولین همایش ملی موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی
تا کنون	۱۳۸۷/۷/۱۰	دانشگاه شهید چمران اهواز	عضو کمیسیون بانوان دانشگاه شهید چمران اهواز
۱۳۷۷	۱۳۷۵	دانشگاه شهید چمران اهواز	نماینده گروه در شورای تحصیلات تکمیلی
۱۳۸۵/۳/۲۷	۱۳۸۳/۳/۲۷	دانشگاه شهید چمران اهواز	عضو کمیته تخصصی گروه زیست‌شناسی

۹۴/۱۲/۸	۹۲/۱۱/۷	دانشگاه شهید چمران اهواز	سر دبیر و عضو تحریریه مجله علوم زیستی خلیج فارس
۹۵/۱/۳۰	۹۴/۱۱/۱۰	ارشاد اسلامی خوزستان	داوری سومین دوره جایزه کتاب سال خوزستان